

# انگار

صاحب امتیاز و مدیر مسئول : فیض محمد "انگار"

آدرس دفتر جریده : جاده میوند باارتمان عکس

نمبر تیلیفون ----- آدرس تلگرافی : انگار

تا سپس ۹ حوت ۱۳۲۹

هر روز یکشنبه و چهارشنبه به پشت و قافسی نشر میشود

یکشنبه ۱۳ حوت ۱۳۲۹

سال اول

شماره دوم

شاغلی بینوا

شاغلی محمودی

خط الرجال

ای جوانان!!

میگویند خط الرجال است این یک نظر به بوج و  
 بیمعنی بوده - ما داریم استعداد هائیکه شا بسته  
 هر گونه تربیه و عمل است بشرطیکه زمینه برایش  
 مساعد ساخته شده و موقع کار داده شود زیرا اگر  
 این نظر به بوج را قبول کنیم و قانع شویم که  
 بدون چند نفر محدود دیگر در تمام مملکت شخصی لایقی  
 نیست که امور دولتی را اداره کرده بتواند و یا  
 حقیقتاً این مملکت باستانی که انرا مهد آریا می  
 گوئیم بمرض خط الرجال گرفتار گردیده یابد  
 این را هم فرض کنیم که اگر چنین باشد باید پس از  
 چند سال (خدا نکند) افغانستان عزیز جز اسم بی  
 مسمی چیز دیگری نداشته باشد باین دلیل که -  
 دارندگان نظر به فوق طوری که خط الرجال را  
 حقیقتاً مبت می پندارند مرگ را نیز حقیقت مطلق  
 بدانند - پس ما مورینیکه بعلمت خط الرجال چو کی  
 های دولت را حفظ میکنند گرچه سالهای دراز باشد  
 باز هم شکی نیست که میمیرند در ان زمان که از یکطرف  
 تشکیل دولت احتیاج شدید به رجال داشته باشد و  
 از جانب دیگر مملکت مبتلا به خط الرجال باشد  
 نتیجه آن چه خواهد شد؟

مژده جانبخشی روانم را شاد ساخته شوق مفرطی قلم  
 آرزو را بدستم گذاشت - آمال و آرزوهای بشر - مخصوصاً  
 کسانیکه بمفهوم اضطراب سیاسی آشنائی دارند بینهایت  
 است. اکنون که نوید نوینی برای نیل بارزوهای کهن  
 میدهند دقایق گرانبهاولی برهیجان و اضطراب آوراست  
 چه باید نرسد از کجا آغاز کرد - بر کدام زخم مرهم  
 گذاشت - کدام ناله جانسوز را اولتر باید خاموش  
 ساخت - کدام قلب پر آرزو را طمأنینت و تسلی بخشید  
 کدام جوان نا امید و بد بین را امید و ثبوت قلب داد  
 ... درین بحر متلاطم آرزوها نا گهان بروی رحمتی قلم  
 راه حقیقت - براه راست و روشن سعادت رهنمونی  
 نمود . بلی! روی خطاب قلم را بسوی جوانان - بسوی  
 کسانیکه مردان فردای جمعیت اند - بکسانیکه همه امید  
 ها و آمال مردم امروز و فردا بسوی آنهاست بکسانیکه  
 طبیعت همه توان و قدرت خویش را فقط در همین کلمه -  
 متمرکز ساخته است - بکسانیکه قدرت ملی و معنوی  
 شان از قدرت اتوم هم قویتر و توانا تر است - بانها  
 قوه تفکر و تحلیل شان از قلب اتوم قدرت و توان -  
 استحصال میکنند باین گروه که همه چیز - مولد همه چیز  
 و مسئول شئون و نوامیس امروز و فردای خاکند متوجه  
 ساخته و جوانان را طرف خطاب قلم قرار داد .

نی - ما باید این فکر بوج خط الرجال را از مغز خود  
 بیرون کنیم و با استعداد های جوان این کشور قایل  
 شویم و موقع بدیم بر روی صحنه داخل عمل شوند و  
 بقیه در صفحه ۴

پس ای جوانان! ای کسانی که چشم امید جمعیت بسوی  
 اعمال و حرکات شما متوجه بوده و مجله فعالیت  
 بقیه در صفحه ۳

شاغلی صافی

شاغلی و ادیبی

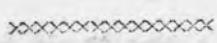
تامین وحدت ملی

نو یسنده هیچگاه مرتجع نشود..

در افغانستان پشتون - تاجیک - اوزبک - ترکمن شاغلی انگار! اشتیاق هم عجیب چیزی است - شما هزاره - قزلباش و بعضی از طوائف کوچک دیگر زندگانی متصدی جریده "خروج آتش" و نو یسندگان با آرزوی دارند. طبعا در غم و شوق و ضرر ملی تمام این جریده شریفه آزادی اظهار حقیقت را بصراحت ساکنین این خاک شریکند. اختلاف اسما این طوائف مؤده داده آید و آتش اشتیاق را در دلهای پر آرزوی حکم برادرانیرا دارند که از یک پدرینامهای مختلف ما مشتمل ساختید - این است که شعله های پر از شرف میباشند و مسلما برای معرفت و شناخت نامهای مختلف و امید واری آن هر لحظه زیانده کشیده چشمهای - شمس و قیابیل را ایجاب مینماید . ولی دشمنان خارجی آرزو مندان را روشن و دلهای کورخت و انسدوده را گرمی و مضر ضین داخلی همیشه که شیده تا ازین اختلاف اسما بخشید .

برای پیشبرد اغراض خود پیش در بین ایشان اختلاف تولید از خلال مؤده "تان بخوبی بر می آید که نامه نماید - و از همین جاست نگذاشته اند اینملت دست شما حقیقت را حقیقتا نشر خواهد کرد از مدافعه و برادری بیکدیگر داده اساسا وحدت ملی خود را قایم معامله ریا و سالیوس برکنار خواهد ماند یعنی قلم نموده و بعضی مشترک برای اعتلای افغانستان کارهای حساس حقیقتا دوران بجوایان میافند و عقده های نمایند - بلکه یکی را بر علیه دیگری چنگانیده - سوزناک یکایک باز میشود برآستی مؤده نیک و خوشننده استفاده چنان داخلی و بدخیا امان خارجی از نفای و ایست و ما باید درین زمینه از داشتن چنین نامه شکارشان استناده "سوء نموده حتی بین خود پشتون و خیر اندیش ملی بر خود ببالیم و آنرا حسن استقبالی بنام فلیجی و درانی - تور گند و سپین گند اختلافی کنیم اما شما را بخدا (ج) از همین حالانگذا رید تولید و باقتضای وقت و زمان استفاده چنان از آن برخی نگارنده های بد بین نو یسندگان ما را درس استفاده کرده اند - سلسله این بد بختی هنوز هم در سانسور بد عهد و قلم های شان و آپیش از پیش بلوچه بین بعضی ازمان متعصب سراج میشود - دشمنان خارجی و ارتعاش در آورند و ایترا از باغی میگویم که و مضر ضین آتش آنرا دامن میزنند و این یکی از چندی پیش در استقبالیه های اول قانون مطبوعات عوامل مهم پریشانی و بد بختی ساکنین این خاکست بعضی نوشته های عنوانی رفع سانسور یگان درس اگر طبقه "متور حساس - بیدار و این طوائف جلو آنرا سانسور هم دادند لذا مگذارید عناصر ترمس و کوتاه نمیکیرد بد بختی ملت افغان روز افزون گردیده فکر در اینجا نیز دست یافته افرو را تاریخ نشان و بخوابی وطن میافزاید - پس بر طبقه "حساس و بدعهد و یا بمنظور اینکه نصیحتی کرده باشند سیم دانشمند این طوائف است تا با قلب پاک و بیفرض ارتجاع را در عروق و شراغین نو یسنده و روزنامه از روی صمیمیت باهم نزدیک شده اساسا داخل مفاصمه نگار حقیقی ترزیق نمایند - مگذارید با نظرها ی گردند و برای مضر ضین اضافه موقع ندهند که از اختلاف کوتاه بین خود ازمان عامه را فرسوده ساخته و آنهم شان سوء استفاده نمایند از روی تفکر تعقلی و عدم " اشتیاق " شعور و جذب به بی الایش آنها را به عصیانیت ابرهای تیره و تاریقان را از شما مملکت دلسردی و بی میلی مبدل نمایند .

( باقی در آتی )



چنان داخلی و خارجی موقع ندهند .



ادبیات

شاغلی یقیم

تخت غوار مه؟

چه سوخوی ظلم و ستم هغه انگار غوار مه  
 چه حقیقت شر گند وی هغه اخبار غوار مه  
 چه به روین ستر گو ویده وی داسی وینن تخه کوم  
 چه ویده خلق کوی را وینن هغه بیدار غوار مه  
 چه د خانی مفاد د یاره وی کار نه دی پکار  
 چه د بی وزلوشی بکار زه هغه کار غوار مه  
 چه به شخصی مانی - موتر خرخ شی دا زردی اووشی  
 چه کونوی رنوی کوی مری هغه زودار غوار مه  
 بی له کالره بی شیچه نور تخه نه بینن نی  
 دا خلمی نه غوایم وطن ته زه خرکار غوار مه  
 چه د ملت غم بکینی ند وی هغه سر کوی دی  
 چه سر قربان کوی ترملت هغه سر دار غوار مه  
 چه د خوارانورینن شکی هغه بدای دی وراشی  
 به وژی نرس چه کوی خدمت زه هغه خوار غوار مه  
 چه د خیال خان د یاره زووند کوی بل شی نه وی به یاد  
 خان دی دبل شی هم دبل شی خدمتگار غوار مه  
 چه د یقیم پراشکو خاندی کونوی رنوی و ته سی  
 پد اوینکولونوی شی خیل گریوان به غمویا و غوار مه

ای جو انسان!!

مادی و معنوی شما روح جمیعت را میسازد - یکبار چشم  
 های خوار آلود خود را باز نموده یکاروان سرگردان  
 مدنیت نثار انداخته تلاطم ابحار سیاسی را در اطراف و  
 جوانب خود با دیده مصرفت و سنجش مشاهده کرده خطاهای  
 سیاه روزی ها - مظالم - بد بختی ها و امیدها و آرزوهای  
 دیروز و امروز اینتقم ستم دیده و عقب مانده را در آن  
 کرده و مانند اطباء حاذق بدرمان درد های محیط سستی  
 نمائید مایوس نباشید - طبیعت همه قدرت و توانا شی  
 خود را در وجود شما متمرکز گردانیده همه چیز از شما  
 ساخته است - ظلمت و سیاهی با نور عزم و اراده  
 شما مرتفع میشود - شما اولاد همان نیاکان مردود نامورید  
 که داد مردی داده و بزور سر بچه افغانیت حق مشروع  
 حیات خویش را در مبارزه های خونین زندگانی ثابت  
 کرده اند - امروز با آنکه از کاروان مد نیت خیلی  
 عقب مانده اید ولی باز هم توان و قدرت دارید

شاغلی نیاتی

بست فطر تان

بست فطر تان به تربیت انسان نمیشود  
 کا فر بجد و جهد مسلمان نمیشود  
 از جوهر است گر یکمالی رسد کسی  
 هر سنگ خاره لعل بد خشان نمیشود  
 روید به باغ خلد اگر خس همان خس است  
 هرگز گیاه عسر ریحان نمیشود  
 از بی شرف توقع انسانیت مکن  
 شخص ذیل صاحب وجدان نمیشود  
 از بید هیچگاه برسبب کسی نچسبند  
 یعنی که شوره زار گلستان نمیشود  
 بائیکه کج نهاده نشد کی خورد بسنگ  
 قلبیکه با صفاست پریشان نمیشود  
 میگفت این سخن پدرییر با بس  
 کن فکر نان که خریره خود نان نمی شود  
 از بد رگان بضر بدی وضع خوش مجوی  
 گرگ هیچگاه رفیق به چویان نمیشود  
 نازم نیاتی همت مردانه ترا  
 کز خا دشات دهر هوا سان نمیشود

بغود آئید - قدرت و توان در اتحاد و هم آهنگی است  
 بدانید که تفرقه و تشتت بریادی و فلاکت بار می  
 آورد - هنوز شما زنده اید همان روح مردی و مردمی  
 در عرووی و شوائب شما جریان دارد از عوامل و  
 عوامل تشکیکه شما را به یاس و نا امیدی سوق میکند  
 ترسید با جهد و پشت کار - ثبات و ایثار - سنجش  
 و اقدام مردانه میتوان از هر اتم دماغ خویش قدرت  
 و توانی استحصالی کرد که کلید کفایش هر کاری  
 باشد - خلاصه در وجود جوان همه آمال و آرزوهای  
 متمرکز یافته و در تبال تاریخ در آتی فقط و فقط  
 جوانان مسئولند و بس .

پرسش و پاسخ

شاغلی نور محمد  
تره کی

س- استفاده جو را چگونه شناخته می‌توانید؟  
ج- که ظاهراً بدون اخذ رشوت ذریعه نفوذ و موقعیت اجتماعی خود صاحب کوتی‌ها و اسهام شده باشد.  
س- رشوت‌خواران را چگونه تمیز می‌توان داد؟  
ج- که دست‌خالی بیا موریت داخل شود ولی در وقت تقاعد یا پیش از آن صاحب جای داد منقوله و غیر منقوله شده باشد

س- نتایج ازدواج اجباری چیست؟

ج- اوقات تلخی وید بختی

س- بودجه افغانستان چند است؟

ج- اینکه وزارت مالیه معلوم است

س- نتیجه تملق و چا پلوسی اشخاص بی تجربه چیست؟

ج- اول معتبری و بعد از آن سرنگونی

س- مردم چگونه بیدار شده می‌توانند؟

ج- ذریعه معارف جدی و وسیع ملی و اصلاح مزید قانون موجوده مطبوعات

س- مقصد اخبار انگار چیست؟

ج- بیداری مردم

س- علل موفقیت بزرگ بلدیه چیست؟

ج- آزادی انتصابات و عزم اهلیین رئیس بلدیه

س- بازار سیاه را که بوجود می‌آورد؟

ج- پولدارانیکه حس ملی نداشته باشند

س- مقصد کنترول بی انتظام اجناس چیست؟

ج- آبخت کردن و ماهی گرفتن

س- گذاره آنها تیکه خود را خدام صادق معرفی میکنند بچه وسایل است؟

ج- ذریعه کرایه خانه های متعدد و زمین ها و موتر

س- اتحادیه مهصلین چه شد؟

ج- گفته میشود که با اثر فعالیت های خلاف قوانین و لوایح موضوعه از بین رفت

س- از مسئولیت چگونه مصون می‌توان ماند؟

ج- کار نکردن - امضاء نمودن و لاف زیاد کار

آمدگی

شاغلی ابراهیم خلیل

تطبیق نرخنامه ببا زارگر شود  
قصاب دست و پا چم شده یا کشد ز  
از ترس وای وای کند نا نوایما  
شلغم فروش نیز زوضع تقلبش  
بازگان در دروغ زردی بشهر نیست  
حرف گرا نفروشی شان گریشود سفید  
مارا خیر زوضع دکا ندا ر میوه نیست  
چنگی مفت و چنگی خیا رها خلیل  
یا بلدیہ ز سنگ کم شان خیر شود  
چون مردگان بزندگی خاکه سرشو  
بقال خود بقال و مقال دیگر شود  
یا قوت و ش زجا ر طرف خونجگر شود  
تفتیش گر نخا تره بر بنیه گر شود  
دکاس شیروماست گم و میا تر شود  
برمان نرخ میوه زار باب زرشو  
در ناله ام که چاره آن زود ترشو

حط الرجال :

ایں و لایفه زما مداران و بزرگان این کشور است تا برخلاف نظریه شوم حط الرجالی اقدامات جدی نمایند و با استعداد های قابل کار مملکت موقع تجربه و عمل را فراهم کنند - و نگارند از یکطرف استعداد های قابل کار قلع بماند و از جانب دیگر نظریه پوچ حط الرجالی حقیقت پیدا کند. مملکت ما آنقدر از کاروان تمدن عقب مانده تا همه مابینیت پاک و اتحاد کامل برای اعتلای کشور کار نکنیم و معاون یکدیگر نباشیم نمیتوانیم این مملکت فلاکت زده را از فلاکت نجات دهیم - و این اتحاد وقتی امکان دارد که ازین تشنت و پراگندگی افکار جلوگیری نموده اعتماد یکدیگر را حاصل کنیم و خدمت مملکت را منحصر بدوش چند نفر نگذاریم بلکه بتمام افراد این کشور باید حسب لیاقت در خدمات اجتماعی بدوین تفریق نژاد تبیله و خانواده حق مساوی داده شود - آنوقت یقین است که ما میتوانیم مملکت پسمانده خود را مرفعی و سعادت مند بسازیم .

پوزش

قافله این نامه ملی تان تازه براه افتاده و طبیعی بود راه از لحاظ وسایل بسا مشکلاتی موجود است که احیاناً ممکن است باوقات مصیبت ستوس خوانندگان گرامی رسیده نتواند و البته سعی خویش را برای بهبود وضع صحافت و طباعت و نشر منظم وعده میدهم ( السعی منوال اتمام من اله )

اشتراک

کابل : ۳۶ افغانی سالانه  
ولایات : ۴۰ دد دد  
خارج : ۴ دالر دد  
قیمت یک شماره ۵۰ پول

طبعه : گسترش شخصی انگار کابل